



۲۰۱۸/۰۴/۳۰

ف، هیرمند

## "امنیت" را بشناسیم

امنیت همیشه نخستین پیش شرط، ادامه حیات و پیشرفت و تکامل انسان و جامعه اش بوده است، ولی در زمان ناامن، در دنیای پر از مخاطره، بی رحم و نا مصون کنونی امنیت بیش از پیش کسب اهمیت جدی نموده است، انسان با ابزار های متعدد مادی و غیر مادی ساخته شده خودش، دنیا را به طور پیچیده ای ناامن ساخته است، چنان پیچیده که برای شناسایی امنیت لازم آمده است، تحقیق و تدقیق عمیقی به عمل آید، تحولات تکنولوژیک، و متیوولوژیک و نیز تولید و استفاده انواع جنگ افزار های نظامی و افزار های پیچیده به ظاهر غیر حربی، تعریف و حوزه معنایی اصطلاح "امنیت" را خیلی بسط داده است، "امنیت" اگر دیروز ها در حوزه های نظامی و استخباراتی و دو سه ساحة دیگر مطرح بود امروز ها کمتر حوزه ای را می توان یافت که بعد امنیتی نداشته باشد، به همین سبب تعاریف دیروزی از امنیت برای افاده وضعیت واقعی "امنیت" امروزی کوناهمی میکند. گرچه علی الرغم آن که واژه امنیت هزاران بار روزانه به کار میرود، ولی اگر در محتوای اصلی آن از درجه علمی و تحقیقی وارد شویم، در خواهیم یافت که ما با اصطلاح پیچیده ای مواجه هستیم، پیچیده و گسترده.

"امنیت" کمپلکس پیچیده ای است که هر کنار آنرا زیر شناسایی بگیری باز هم یک لبه آن از حوزه تحقیقت برون می ماند، اما این گسترده گی حوزه "امنیت" نباید بهانه ای به نه پرداختن به آن گردد، چون شناخت "امنیت" در اوضاع کنونی برای وطن و مردم ما از اهمیت حیاتی برخوردار است، نباید از پرداختن به این مهم طفره رفت.

تحولات کثیر البعدی جوامع و نظام های حاکم آنها و تغییرات و تکامل در بخش ها و ارکان دولت و وظایف و فعالیت های آن، همانطور که در تمام ساحات سبب تحولات بنیادی گردیده است، در درک مفهوم، جایگاه و اثرگذاری پدیده "امنیت" نیز این تحولات به صورت بنیادی و عمیق به مشاهده میرسد.

"امنیت" اصولاً از مفردات، حقوق اساسی، علوم سیاسی و نظامی و حقوق بین الملل می باشد، ولی طوریکه اشاره شد، "امنیت" در عمل بساط خود را چنان گسترانیده است، که از حدود علوم نامبرده خیلی فراتر میرود.

"امنیت" در عرصه پژوهش از همان مولفه های حیاتی است که شاید در سطح غیر دولتی و به صورت بیطرفانه، در باره آن کمتر کار تحقیقی صورت گرفته باشد.

گرچه در گذشته ها و یا شاید همین حالا برداشت ها و درک ما از امنیت، تا حد زیادی یک برداشت مقطعه یی سیاسی باشد، و یا ممکن است بعضاً وضعیت های مانند "ثبات" و یا "صلح" و یا امنیت مشخص یک حوزه را همه در یک

ظرف و یک معنی دسته بندی کرده باشیم، ولی وقتی ما از امنیت حرف میزنیم، در اوضاع کنونی مقصد ما مخصوصاً معنی جامع و کامل حیاتی امنیت در کدر معنایی کنونی آن مد نظر خواهد بود.

شناخت لازم و دقیق از امنیت ما را قادر خواهد ساخت تا آنرا تأمین کنیم از آن مواظبت نمائیم و یا عوامل و انگیزه های بالقوه و بالفعلی که امنیت را محدود میکند، تخریش می نماید به خطر می اندازد و برهم میزنند، زیر شناسایی بگیریم تا آن عوامل و انگیزه ها را جلوگیری نمائیم و یا مانع شویم

دیدگاه کلاسیک از امنیت، این عجوبه را غالباً صرف در حوزه های دفاعی و رزمی می شناخت و جست و جو میکرد، شاید سطح پیشرفت فن و مهارت های نقض و اختلال و ایجاد بی امنیتی، در چنان حدی نبوده است، که زمینه انکشاف مفاهیم "امنیت" و "بی امنیتی" را توسعه میداد، چرا که مفهوم امنیت، و انکشاف قلمرو آن به اعمال، افعال و رویه های مربوط می شود که تهدید و خطری را برای امنیت ایجاد میکند، یا سنجش می گردد که تهدیدی و خطری را بروز می دهد. ممکن است اینگونه افاده درست تر باشد که تا زمانی که امنیت صرف یک پدیده متعلق به حوزه دفاعی و جنگی تلقی می شد و گویا حوزه نظامی به تعبیر "میلیتاریزم" آن کلاً منوط می گردید امنیت قد و قیافه عسکری گونه داشت و بناءً حوزه حضور و طرح آن ساده بود. همین روحیه تعبیر نظامی از امنیت حتی در مفاهیم منشور ملل متحد از امنیت هم حس می شود. تهدید و خطر اعمال نظامی، جنگ، تجاوز نظامی و ... در باره تکامل گستره امنیت، این اصل را باید متذکر شد که: هر فعل و عمل تضعیف، اختلال و برهم زدن بکر و تازه امنیت، خود عرصه جدیدی از کار و زار "امنیتی" را به وجود می آورد، یا محاسبات دقیق پیرامون حوزه امنیت، زمینه طرح تدابیر لازم و جدید امنیتی را مساعد می سازد.

اما با انکشاف ساحات تهدید و اختلال امنیت و ورود آن در گستره زندگی معمولی و مدنی روزمره گی انسان ها تعریف و تعبیر "امنیت" هم از ساحه نظامی فراتر رفت.

نمی توان در این مختصر به همه معرفی انواع امنیت پرداخت، در این مقاله سعی خواهد شد مفاهیم امنیت، امنیت منطقی و امنیت ملی را تا حد ممکن در محدوده عوامل و انگیزه های حاضر زیر مطالعه قرار بدهیم

برای شناسایی و تعریف "امنیت" در شکل و یا فرم سیاسی و عام آن، محققان معمولاً در متون بین المللی مانند، معاهدات، میثاق ها و سایر اسناد بین المللی، به جست و جو می پردازند؛

یکی از اسنادی که در این زمینه به دسترس است، منشور سازمان ملل متحد می باشد، گرچه در آن کدام تعریفی از "امنیت" داده نه شده است، و نیز مفاهیم متنوع و یا یک دست امنیت را در منشور ملل متحد نمی توان دید، اما از حواشی مواد آن به وضاحت می توان محدوده معنی "امنیت" را تشخیص کرد. توجه باید داشت که حتی معنی امنیت که به اثر تحلیل مفهوم امنیت مورد نظر منشور ملل متحد، بدست می آید، امروزه کهنه و ناکافی تشخیص می شود، زیرا تعریف امنیت در دنیای امروزی، خیلی ها متفاوت از آنچه است که مورد بحث منشور ملل متحد بوده است. کارکنان و کارمندان درگیر عرصه امنیت بین المللی و منطقی برای توضیح وضع موجود غالباً به تفسیر های برون آورده از مواد همان اسناد حل مطلب می نمایند، گاهی این تفاسیر چنان از متن منبعه به دور میروند که به سختی رابطه آن را با متن اصلی می توان دریافت.

پراگراف "۱" ماده اول منشور ملل متحد چنین برداشتی از امنیت دارد: «حفظ صلح و امنیت بین المللی و بدین منظور: به عمل آوردن اقدامات جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات بر ضد صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز کارانه یا سایر کار های ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات حل و فصل اختلاف بین المللی یا وضعیت های که ممکن است منجر به نقض صلح گردد، با وسایل مسالمت آمیز و بر طبق اصول عدالت و حقوق بین الملل.»

بدون تردید در این ماده "امنیت" همان حالتی است که با فقدان و نبود "تهدید بر ضد صلح"، حضور "عمل تجاوز کارانه" و "سایر کار های ناقض صلح" برقرار می باشد.

از این ماده ما چند نکته را استخراج کرده می توانیم :

در این ماده محدوده امنیت در "صلح بین المللی" توصیف می شود و عوامل اختلال کننده آن "عمل تجاوز کارانه" و "سایر کار های ناقض صلح" معرفی گردیده است و تدابیری که با آن امنیت را می توان حفظ کرد از نظر منشور ملل متحد "وسایل مسالمت آمیز" گفته شده است.

استنباطات منشور بسیار عام و فورمالیته خواهد بود، در برابر آنچه که امروز ما به نام "امنیت" و "بی امنیتی" می شناسیم، طوری که خواهیم دید امنیت تنها "صلح" نیست، و موارد اختلال امنیت، بیشتر عناصر اختلال صلح نیز نه خواهد بود و باز تدابیر مسالمت آمیز امروز برای تأمین امنیت کافی نمی باشد. البته این درست است که دیدگاه منشور ملل متحد، ناظر بر امنیت مربوط به وقایع فراملی و حتی فرا منطوقی می باشد.

این دریافت ما را کمک خواهد کرد تا مفاهیم "حالت امنیت"، "حالات تهدیدات ناظر به امنیت" و بالاخره "تدابیر امنیتی" را بشناسیم و آنها را به جای یک دیگر شان به کار نبریم.

و اما اگر درک تصویب کنندگان منشور ملل متحد را با آنچه که امروز در ساحة تهدیدات امنیتی بین المللی روی میدهد، به سنجش بگیریم، رویداد های اند که الزاماً صلح را تهدید نمی کنند، ولی می توانند، مختل کننده "امنیت بین المللی" باشند، معنی پراگراف مورد بحث اگر در حالاتی در حوزه امنیت بین المللی مصداق پیدا کنند، در ساحات منطوقی و بخصوص ملی تمام حالاتی را - بجز از وقایع ناقض صلح - که منجر به اختلال امنیت می گردد، در بر نه خواهد گرفت.

این امر هم از پراگراف مربوط برون میباید که چون اعمال مناقض صلح، تجاوز و سایر کار های ضد صلح با عملیات نظامی به اجرا گذاشته می شود پس جهت حراست از امنیت فقط و صرف به قوای دفاعی باید متکی بود، بعضی از کشور ها با این تعبیر از امنیت، در قوانین شان محدوده تأمین امنیت را صرف در کار و فعالیت دفاعی شان منحصر دانستند، که تعدادی از ممالک تا حال از همین شیوه استفاده میکنند و در قوانین شان این وظیفه خطیر را بر عهده ارگان های دفاعی یا وزارت های دفاع شان گذاشته اند.

اما با تحولات جدی در حوزه امنیت و گسترش روز تا روز عوامل اختلال آن، امر مهم حراست از امنیت نیز گسترده گردید و دامنه اجرای وظیفه ترصد از تهدیدات و خطرات احتمالی و بالقوه بر علیه امنیت نیز انکشاف کرد، این

انکشاف به خودی خود باعث گردید تا در میدان تأمین و حراست از امنیت ارگان های دیگر هم وظایف جدی را در این امر عهده دار گردند.

امنیت و صلح را نباید اشتباه کرد و یکی را به عوض دیگری اشتباهی گرفت: امنیت جوی است که فارغ از تهدید و خطر است که در آن در امن بودن را می توان حس کرد.

صلح حالتی است که در آن جنگی نیست و یا حالتی است که از جنگ برون آمده است، افاده واضح صلح به وقوع نپیوستن جنگ است، صلح هم غالباً با یک عهد و توافق بعد از جنگ حضور می یابد، و باز ما با انواع صلح نیز روبرو می باشیم که دو نوع عمده صلح «صلح مثبت و صلح منفی» را در این جا ناظر به امنیت زیر بررسی میگیریم:

صلح منفی صلحی است که در آن وقوع جنگ محتمل نیست، ولی جهت استحکام صلح تعهد و تلاشی فرض نه گردیده است.

صلح مثبت به آن نوع صلح می گویند که نه تنها بر وضعیت صلح تعهد شده باشد بلکه عهد و تلاشی در جهت استحکام و رفع علل جنگ نیز مطمع نظر باشد.

این دو نوع صلح هم حاکی از آن اند که صلح و امنیت با هم متفاوت اند، در "صلح منفی"، امنیت شکننده و متزلزلی خواهیم داشت، در حالی که در "صلح مثبت" مساعی ما برای استحکام امنیت وظیفه پلانی ما خواهد بود. گستره "امنیت" در حدی است که ظرف صلح نیز تلقی شده می تواند، در صورتی که معاهده صلحی در میان نباشد و جنگی رخ نه داده باشد، صلح را می توان مسلط یافت، در تهدید و خطر می توان صلح را داشت، ولی این حالت الزاماً حضور و تضمین امنیت نه خواهد بود.

در " فرهنگ روابط بین المللی " از امنیت چنین تعریف ساده ولی جامع داده شده است: « اصطلاحی است مشعر بر فقدان تهدید نسبت به ارزش های نادر. امنیت می تواند مطلق باشد به عبارت دیگر می توان گفت که فارغ از همه تهدید ها، معادل امنیت کامل است. بر عکس در یک سیستم کاملاً تهدید آفرین روابط، سیستمی از خصومت های شدید و سازش ناپذیر، "بدگمانی منظم" نزدیک می شود. از نظر تجربی امنیت امر نسبی است.»

در زبان لاتین "امنیت یا securitas به معنی "معافیت از نگرانی" و "خاطر جمعی" آمده است.

در زمان حاضر دامنه حضور و وجود "امنیت" چنان پهن گردیده که میتوان ضرورت حضور آنرا در ساحات متعددی ملاحظه نمود؛ امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت صحتی، امنیت غذایی، امنیت محیط زیست، امنیت فرهنگی، امنیت اقتصادی، امنیت کاری، امنیت انفورماتیک و...

در قلمرو ملی گرچه "امنیت ملی" با عین ترم ولی با مفاهیم استنباطی متفاوت به کار میرفته است،

محتوای اصلی امنیت در جوامع و نظام های مردم سالار بیشتر قرین به ماهیت واقعی امنیت می باشد، در این جوامع امنیت و جرایم علیه آن به معنی دقیق کلمه در اسناد قانونی و در عمل معرفی می شود.

در حالیکه در نظام های خود کامه، گاهی در واژه امنیت مفاهیمی تخطئه می شوند که با ماهیت اصلی و معیاری امنیت مطابقت نمی کنند، طور مثال در فهرست "جرائم علیه امنیت عامه" جرایمی گنجانیده می شده است که اساساً به امور عمومی تصادمی نمی داشته اند، حاکمیت های مستبد، دکتاتور، ایدیولوژیک و نامردمی، امنیت و اعمال مخرش آنها به زعم منافع خود شان به تعریف می گرفته اند.

استبداد و اختناق نظام های خود کامه باعث آن گردیده بود که دستگاه های حفاظت حقوق شهروندان (اتباع) منجمله دستگاه های حراست امنیت عمومی و ملی میان مردم از شهرت خوبی برخوردار نباشند، زیرا چنین سازمان های بنابر مسیر عمومی منافع حاکمیت و گروه های حاکم برآن، به حیث ارگان های ایجاد ارباب و وحشت و سرکوب صدای مخالفان حاکمیت عمل میکردند و این اعمال را تعریف "مغایر امنیت عمومی و منافع عمومی" میدادند، به معنای دیگر شاید همینگونه "امنیت" و برقراری آن، برای آن نظام های مستبد افاده واقعی "امنیت" را داشته است. در حالیکه سازمان های امنیت نامبرده در کار و بار اصلی شان یعنی ترصد برای حفاظت از تهدیدات به نفوس و منافع ملی کشور، بیشتر کوتاه می آمدند. این نوع برخورد نظام های مذکور به ارتباط امنیت داخلی شان مطرح است، اما نظام های متذکره در مورد امنیت خارجی، (منطقوی و بین المللی) نیز به دنبال همان متحدینی خواهند بود که نوعی رفتار آن نظام با اداره و حقوق شهروندانش، برای متحدان آن قابل تحمل و یا اغماض باشد.

تحولات عمودی (امنیت داخلی) و افقی (منطقوی و بین المللی) مفاهیم امنیت به ما خاطر نشان می سازد که اگر از یک سو تا زمانی در ممالک روبه انکشاف مفهوم امنیت تقریباً در کنار صلح و حتی معادل آن شناخته می شد و برای تأمین آن به کار و زار نظامی اتکاء میگردید، در عین زمان اصطلاح "امنیت ملی" در این کشور ها با تمایل "دولت، ملت" همخوانی داشت که عناصری از این تمایل، مصونیت کامل "امنیت" را در تأمین "امنیت ملی" منوط می ساختند. ولی عروج و هجوم جهانی شدن و تقریباً مجازی شدن و کمرنگی سرحدات ملی، به نحوی "امنیت ملی" کشور ها را در سطح منطقوی و امنیت بین المللی جداً و بسیار بیشتر از گذشته مرتبط ساخت، یعنی تأمین "امنیت مطمئن ملی"، بدون توجه به تمایلات امنیت منطقوی و بین المللی مسیر شده نمی توانست.

حوادث منطقوی نسبت به فعل و انفعالات بین المللی، بیشتر و زیادت در حالت امنیتی کشور های آن اثر گذار خواهد بود، اگر منطقه دستخوش رقابت های تسلیحاتی گردد، هر کشور شامل در آن، ناگزیر خواهد بود، سیاست امنیتی خود را بازنگری کند که چنین بازنگری ها خرج بردار نیز خواهد بود، ستراتیژی های سلطه جویانه یک دولت در یک منطقه امنیت کشور های شامل در آن منطقه را مغشوش خواهد ساخت و کشور های منطقه ناگزیر خواهند بود تدابیر امنیتی متناسب به اوضاع اتخاذ نمایند. برعکس منطقه ای در همگرایی های اقتصادی و تولیدی و یا هم مبادلات محصولات می تواند، امنیت چند کشور شامل آن منطقه را به هم وابسته سازد و با پدید آمدن منافع مشترک و امنیت مشترک با همدیگر احساس امنیت باهمی بالنسبه مطمئن داشته باشند، که این هم خیلی نسبی بوده و می تواند در موارد مختلف به عین موضع گیری ها و با همی ها منجر نه گردد.

اگر فرصتی دست داد در بحث دوم این مقاله به شناسایی امنیت ملی خواهیم پرداخت.

